

فرهنگ اصطلاحات حافظ

۱۴۸/۷-۲۷۱/۱-۱۹۵/۱۳-۸۲/۷
 بدن، ۲۵۲/۸ - ۲۰۸/۸ - ۱۷۲/۴
 ۲۶۱/۷-۲۶۱/۲-۲۶۱/۲-۲۴۲/۷
 ۲۹۲/۱۲-۱۸۱/۹-۲۶۰/۴-۲۴۹/۸
 -۳۱۲/۴ - ۳۰۸/۲-۳۵۱/۱۰
 ۳۳۳/۹-۳۲۲/۳-۳۶۱/۱-۳۱۷/۱۰
 ۳۲۸/۹-۲۶۹/۵-۲۳۷/۴-۲۰۷/۷
 -۱۵۵/۱۰-۱۱۹/۳ - ۱۱۳/۳
 ۵۴/۸ - ۷/۵ - ۱۲۹/۲-۲۵۶/۲
 -۳۵۷/۱۴-۲۱۳/۵-۱۲۳/۱۲
 ۳۸۵/۳-۳۲۶/۵
 بداندیش - ۸۲/۷
 بدبین - ۲۴۲/۷-۷۳/۴
 بدحال - ۲۰۸/۸
 بدخواه - ۲۳۷/۴ - ۲۰۷/۷
 ۲۶۹/۵
 بدخو - ۳۲۸/۹
 بدعهدی - ۱۱۹/۱۲ - ۱۱۳/۳
 ۲۵۶/۲-۱۵۵-۱۰
 بدکاری - ۱۲۹/۲
 بدنامی - ۵۴/۸ - ۷/۵ - ۲/۶
 ۱۲۳/۱۲-۲۱۳/۵ و در موارد زیر بدون
 یای مصدای بکار رفته است ۲۳۳/۷ -
 ۲۷۰/۵-۳۵۷/۱۴-۳۲۶/۵-۳۸۵/۳

بتخانه - ۱۴۱/۱۲
 بحمدالله - ۲۲۳/۱۲-۳۸/۴
 بحمدالله و المنة - ۲۲۳/۸
 بخت - ۴۳/۱ - ۱۸-۵-۱۰/۵
 -۴۳/۴ - نيك بخت ۶۸/۱۱-۵۵/۱
 - ۸۲/۸ - ۵۴/۶ - ۶۰/۴
 ۱۳۹-۱۲-۹۸/۳-جوانبخت
 ۱۵۵/۵-۱۵۶/۴-۱۴۶/۴-۱۴۵/۶
 ۱۰۰/۶-۱۶۶/۲-۱۶۰/۳-۱۶۰/۹
 ۱۲۳/۳-۱۰۳/۱-۱۶۷/۱۰-۱۰۰/۶
 ۱۶۳/۹-۱۲۷/۱-۱۲۹/۹-۱۱۷/۱۲
 ۱۹۷/۶-۱۹۷/۳-۱۸۲/۹-۱۷۵/۲
 -۲۳۲/۱۱-۲۲۱/۸-۲۱۹/۷
 ۲۹۱/۱۰-۲۸۲/۸-۲۶۵/۷-۳۳۱/۲
 -۲۹۰/۸ - ۲۹۴/۳ - ۲۳۲/۱
 ۲۸۱/۵-۲۹۲/۵-۲۱۶/۶-۲۸۸/۶
 ۳۱۹/۱۱ - ۲۶۳/۵ - ۲۲۴/۱۰
 ۳۰۹/۴-۳۴۱/۵-۳۳۳/۹-۳۱۶/۱
 ۳۴۸/۱۳ - ۲۸۹/۲ - ۲۴۹/۲
 ۳۷۲/۳-۳۴۵/۷-۳۸۴/۹-۳۷۳/۲
 ۳۶۹/۷-۳۱۷/۱۰-۳۶۹/۸
 بختياران - ۱۰۴/۱۲
 بد - ۷۳/۴-۵۶/۲-۱۶/۷-۲/۶
 ۱۲۱/۱۲-۷۳/۵ - ۷۳/۴-۱۰۷/۱

۱۲۶/۱-۵۷/۶ - ۱۰۶/۵-۱۰۶/۵
 ۱۲۶/۷-۱۲۶/۷ - ۱۲۶/۹ -
 ۱۵۸/۱۱-۱۶۹/۱۰-۱۶۰/۱۰ -
 ۱۵۶/۷-۱۷۶/۳-۱۹۴/۱۲-۲۵۵/۱۰
 ۳۱۶/۴-۲۴۲/۶-۲۶۵/۱-۳۴۰/۴
 ۳۳۸/۱۳-۳۴۲/۱-۳۲۷/۷-۳۳۱/۸
 ۱۰۸/۱۰-۱۶۰/۷-۲۲۳/۲
بلاکش - ۱۰۸/۱۰ - ۱۶۰/۷
 ۲۲۳/۲
بلی - اشاره به آیه ۱۷۲ سوره ۷
 (الاعراف) است « واذا اخذ ربك ...
 الست بریکم قالوا بلی... » ۱۹/۸
بندگمان - ۱۳۷/۲ - ۳۲۰/۲ -
 ۲۶۳/۱-۳۷۳/۶-۳۰۸/۶-۱۶۶/۱۰
 ۲۹۸/۹-۲۹۸/۹-۴/۴ و در بیت ۲۳۱/۱۰ بمعنی
 عابدان و ستایشگران خداست
بندگی - ۷/۲ - ۱۴/۲ - ۱۵/۱
 ۳۵/۹-۷۲/۱۱-۱۲۰/۳-۱۵۷/۱
 ۱۶۳/۱-۱۸۵/۶-۲۱۳/۲-۲۲۴/۵
 ۲۹۸/۴-۲۹۰/۳-۲۹۱/۸-۲۹۵/۵
 ۳۴۱/۱۶-۳۴۴/۴-۳۴۲/۲-۳۷۳/۸
 ۳۰۸/۸-۳۱۴/۱۲
بنده - ۴۶/۵ - ۶۱/۱۰ - ۱۳۰/۱۲
 ۸۳/۱۰-۱۸۶/۱۰-۲۴۸/۷-۲۲۶/۲
 ۳۱۰/۸-۳۱۴/۸-۳۲۹/۷-۳۵۱/۱۱
 ۳۶۲/۳-۳۷۷/۱-۳۷۷/۱-۳۴۳/۳
قل ۲/ و در ابیات زیر مفهوم چاکر و غلام
 دارد ۱۱/۱-۳۷/۲-۶۹/۴-۵۰/۱۰
 ۸۵/۶-۸۶/۱۱-۹۸/۳-۱۰۸/۴
 ۱۱۰/۱۰-۱۲۸/۷-۲۱۶/۱-۲۳۱/۲
 ۲۴۰/۷-۲۴۴/۸-۳۱۵/۸ در ابیات
 زیر مفهوم اصلی (من) و معنی ایهامی

برات - ۱۲۴/۶ - ۳۰۸/۲
برادران غیور - منظور برادران
 یوسف پسر یعقوب است که او را در چاه
 انداختند و بفروختند ۱۳۳/۸ -
 ۱۶۳/۱۳ و در بیت ۳۳۵/۲ کلمه
 « برادران » با « یوسف » بکاررفته است
برج - ۳۶۴/۸-۳۵۹/۲
برقع - ۲۶۹/۷-۱۲۳/۲-۶۶/۸
برهنه - ۳۳۸/۱۳
بسم الله - ۲۸۸/۴
بشارت - ۱۱۶/۴-۳۱۵/۵-۱۲/۱۲
 ۱۶۳/۸-۲۴۹/۵-۲۶۹/۱ و در بیت
 ۲۱۲/۷ بشری بهمان معنی است
بصارت - ۹۰/۴
بصر - ۵۱/۶-۷۹/۱-۹۷/۴
بظ - در عربی مرغابی را گویند
 کنایه از صراحی پیماله شراب است که
 بشکل مرغابی میباشد ۱۶۱/۱۰
بطالت - ۱۵۰/۱۲-۹۲/۴
بطلان - ۲۵۹/۳
بقا - عالیترین درجات عرفان است
 شیخ محمود شبستری گوید :
 بقا حق راست باقی جمله فانی است
 بیانش جمله در سبع المثنائی است
 ۱۱۱/۱۱-۸۱/۱۱-۲۱۰/۴-۳۷۵/۱
فکر ۴/ در بیت ۱۴۸/۱۲ روز بقا یعنی
 روز قیامت میباشد
بکر - ۳۵۷/۱۳ در ادبیات
 ۱۹۵/۶ و ۳۶۵/۱ با عروس و چتر
 استعمال شده است
بلا - آفت ۱۹۹/۸-۴۸/۶-۱۵۶/۷
 ۸۳/۵-۷۱/۵-۸۳/۲-۱۱۴/۴

مردحیران چون رسد این جایگاه
 در تحیر مانده و گم کرده راه
 گم شود در راه حیرت محو و مات
 بیخبر از بود خود در کائنات
 سعدی فرماید :
 ای مرغ سحر عشق زیروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 این مدعیان در طلبش بیخبراندند
 کانرا که خبر شد خبری باز نیامد
 ۱۵۷/۱۱-۲۰۱/۷-۱۳۰/۹-۹/۶
بیخودی - ۳۳۹/۳-۵۸/۹-۳۹/۵
بی خویشتن - ۶۷/۴
بیدق - پیاده شطرنج است که یکی
 از مهره‌ها باشد ۲۸۱/۹-۵۰/۳
بیضه در کلاه شکستن - از کارهای شعبده
 بازی است در اینجا کنایه از رسوا شدن
 باشد. چنانکه سلمان ساوجی گوید :
 مملکتی را که برد قهر تو شبخون بر او
 بیضاً صبحش فلک در کف دوران شکست
 یا کمال‌الدین اسماعیل گوید :
 صبا بشعبده اش بیضه در کلاه شکست
 که با سبیده وز زرده است بیضه سان نرگس
 ۹۱/۱
بینائی - ۳۶۱/۳-۱۳۸/۴ در
 موارد زیر بصورت بینائی استعمال شده
 ۳۷۳/۱-۳۰۷/۲
بینش - ۱۲۰/۸

(غلام ومخلص) را دارد ۳۴۴/۱-۷/۲
 ۳/۱۶۱-۲۴۵/۱-۳۴۸/۱۱-فکر/۳
بنده پرور - ۱۵۷/۱-۱۲۰/۳
بنده نواز - ۱۷۶/۲-۲۲۴/۳
بولهب - در قرآن آمده «تبتیدا
 ای لهب وتب» ۴۵/۴
بهتان - ۶۱/۱۱-۲۵۵/۱۲
بهشت یا بهشتی - ۱۲/۸-۱۱/۵
 ۵۵/۱۲-۲۰/۶-۲۱/۱۰-۵۵/۶
 ۱۳۲/۷-۵۶/۷-۱۰۰/۵-۵۶/۶
 ۱۲۷/۵-۲۵۹/۱-۱۶۱/۱۱
 ۱۸۲/۷-۲۰۳/۹-۲۳۲/۶ = آدم
 بهشتی، ۲۸۰/۲-۲۵۲/۱۰-۲۴۲/۱۰
 ۳۵۸/۳-۳۴۱/۱-۳۰۴/۱-۳۰۳/۶
 ۳۶۱/۷-۳۷۰/۴-۳۷۴/۳
 ۳۸۴/۷-۳۷۴/۴ ، فقط در پنج مورد
 زیر بمعنی «فرو گذاشت و ترک کرد و از
 دست بداد و مأخوذ از مصدر هشتن» است
 و بواسطه وجود قرینه ابهام به جنت نیز
 دارد ۳۶۱/۶-۵۶/۶-۵۵/۸-۶/۱۳
 ۳۷۴/۳ در بیت ۵۵/۸ بصورت اردیبهشت
 آمده است
بهمن - ماه یازدهم از سال خورشیدی
 ۷۰/۱-۲۹۹/۱-۳۳۹/۷-در مورد ۱/۲
 اشاره به پادشاه کیانی میباشد
بیت الحرام - ۱۷۸/۶
بیخبر یا بیخبری - عطار گوید :

گفتار سوم «پ»

- پاکسرشت - ۳۰۳/۱۰ - در بیت
 ۵۶/۱ پاکیزه سرشت و در ۲۰۵/۱
 پاکیزه و در ۳۴۴/۲ پاکیزه دل و در
 ۲۴۴/۲ پاکدل بکار رفته است
 پاک نهاد - ۳۴۴/۲ - ۲۵۴/۳
 پاکی - ۲۱۰/۷ - ۳۵۸/۵ - ۳۲۳/۱۱
 پایان - ۱۸۹/۱۳ - ۱۳۵/۹ =
 بی پایان ۱۷۳/۶
 پایدار - ۲۵۰/۲ در بیت ۳۸۵/۱
 لفظ پایداری آمده است
 پایکوبان - ۲۵۸/۱۰
 پخت - مترادف رخت است ۱۹۷/۸
 پدر - ۲۰۱/۵ - ۳۱۴/۶
 ۳۴۶/۳ در ابیات ۵۶/۶ - ۲۳۴/۲ منظور
 آدم ابوالشیر و در بیت ۳۰۷/۱ مراد
 یعقوب پدر حضرت یوسف است
 پرده - ۳/۱۳ - ۶/۹ - ۱۷/۸
 ۵۱/۱۳ - ۴۵/۷ - ۴۶/۴ - ۵۶/۵
 ۵۹/۹ - ۹۵/۱۲ - ۹۵/۸ - ۹۷/۱۰
 ۱۰۲/۱۲ - ۱۲۰/۱۲ - ۱۲۰/۱۲
 ۱۳۳/۵ - ۱۳۶/۴ - ۱۳۶/۱۱ - ۱۴۶/۳
 ۱۵۵/۷ - ۱۰۷/۸ - ۱۱۳/۱ - ۱۳۹/۹
 ۱۶۵/۶ - ۱۶۶/۱ - ۲۲۰/۵ - ۲۶۰/۱۲
 ۲۹۰/۱۲ - ۲۳۴/۳ - ۲۳۶/۶ - ۲۴۵/۱۰
 ۳۰۱/۸ - ۳/۳ - فکه - ۲۳۵/۴ - ۱/۱ - فکا -
 ۳۰۸/۴ - ۳۱۷/۸ - ۳۶۰/۴ - ۸۴/۱۲
 پارسا - ۵/۱۲ - ۱۸۶/۵ -
 ۱۸۵/۱۲ - ۳۵۱/۲ - ۱۸۴/۵ در دو
 مورد اول کلمه «پارسا» برای رندان صفت
 آورده شده است در موارد زیر نیز لفظ
 «پارسایان» بکار رفته که جمع پارسا و بمعنی
 پرهیزکاران است ۳۱۸/۴ - ۲۴۷/۷
 ۳۵۱/۲ فقط در بیت ۲۴۷/۷ بشرط
 صحت نسخه قزوینی بقرینه کلی غزل که در
 یزد سروده شده و استعمال کلمه در مقابل
 «تازیان» ایهام قوی به پارسی هادارد (۱)
 پارسی - ۵/۱۲ - ۱۵۲/۱۲ - ۳۳۴/۲
 پاک و پاکان - ۴۱/۱ - ۴۱/۱
 ۵۱/۳ - ۷۲/۶ - ۹۳/۳ - ۱۲۸/۱۳
 ۹۵/۱۲ - ۱۰۴/۴ - ۱۴۰/۱۲/۱۱۳/۱۲
 ۱۷۹/۴ - ۱۶۶/۱۲ - ۲۷۹/۴
 ۲۷۹/۴ - ۱۷۹/۸ - ۱۷۹/۸ - ۲۰۴/۲
 ۲۶۲/۵ - ۲۸۱/۶ - ۲۹۳/۸ - ۳۲۳/۱۱
 ۳۵۳/۶ - ۳۱۳/۷ - ۵/۵ - ۳۷۳/۹
 ۲۸۵/۱۱
 پاکباز - کسی را گویند که در بازی
 کردن دغلی نکند و زاهد عاشقی که بنظر
 پاک بمعشوق نگردد ۲۳۶/۱
 پاکدامن - ۵/۱۳ - ۲۳۶/۲ - ۱۱۶/۷
 پاکروی - ۳۷۸/۷

پشمینه- ۵۸/۱-۱۲۹/۶-۲۵۳/۱
 ۲۵۸/۲-۲۷۵/۹-۱۳۱/۱-۲۸۱/۱۱
 ۳۱۲/۵
 پیاله- ۹/۶-۲۲/۸-۳۰/۳
 ۱۱۹/۴-۴۶/۶-۲۲/۸-۱۴/۸-۳۲/۶
 ۱۷۶/۶-۱۵۸/۶-۱۴۵/۷-۱۴۵/۴
 -۲۴۰/۱۰-۱۹۳/۱-۱۸۰/۱۲
 ۲۷۳/۹-۲۹۹/۸-۲۹۹/۸-۲۶۱/۹
 -۳۳۲/۷-۳۳۲/۱۰-۲۷۴/۶
 ۳۳۹/۹-۳۶۴/۸-۳۶۴/۶-۳۰۲/۸
 پیر- در اصطلاح تصوف به «مرشد، شیخ، ولی، مراد، دلیل راه، غوث، خضر راه، هادی، مقتدا» اطلاق میشود ۷۲/۶
 ۱۰۸/۴-۱۰۸/۴-۱۰۸/۴-۸۶/۷-۹۸/۳
 ۲۷۵/۵-۱۶۵/۸-۱۴۰/۱۳-۵۹/۱۰
 ۲۹۱/۷-۲۸۸/۷-۲۱۹/۹-۲۷۵/۵
 ۲۹۳/۷-۱۳۶/۱-۳۲۸/۴-۲۷۶/۵
 ۸/۱۰-۱۴۲/۴-۲۸۷/۴ در بیت‌های: ۸/۱۰
 ۸/۱۱ منظور از «پیر» شیخ‌صنعمان است در موارد زیر مفهوم «سالخورده» دارد:
 ۱۶۸/۷-۶۱/۷-۱۳/۲-۱۳۵/۱-۴/۲
 ۱۹۳/۹-۲۱۹/۱-۲۲۹/۳-۱۷۳/۱۰
 ۲۳۱/۶-۲۴۳/۷-۲۹۰/۸-۲۲۸/۵
 ۳۵۴/۱۰-۳۰۷/۲-۱۱۱/۷-۲۲۷/۱۱
 ۳۵۸/۲-۳۸۵/۱ در مصراع دوم بیت
 ۲۱۹/۹ ایهام به‌مرشد دارد
 پیران - وزیر افراسیاب است که پندر او ویسه نام داشته ۳۵۷/۶
 پیرانه‌سر- ۶/۱۲-۷۸/۱۳-۷۵/۴
 ۲۲۵/۱-۲۱۸/۲-۱۱۵/۱۱-۱۵۹/۸
 ۲۸۴/۲
 پیرباده‌فروش - ۱۶۲/۲

۱۷/۱۳-۲۸۴/۳-۳۲۱/۱۰-۸/۸-فکه-۱۷/۱۳
 ۱۶۶/۳-۱۷۸/۵-۲۲/۱۰-۲۲/۱۰
 ۲۵۰/۸-۹۸/۹-۱۹۴/۳-۱۹۳/۴
 ۳۰۰/۷-۲۰۶/۱۰-۲۰۶/۹-۱۲۶/۶
 ۳۶۰/۴-۳۰۹/۱-۳۰۰/۱-۳۱۹/۷
 ۱۷/۸-۲۲۱/۶-۲۲۱/۵-۲۲۱/۵
 پرده‌پوشی - ۱۶۷/۶
 پرده‌دار- ۴۰/۵ در ابیات ۴۶/۴
 ۱۵۵/۷-۱۲۱/۱۱ بمعنی خدا است که ایهام به دربان دارد در بیت ۳۶۰/۴
 مفهوم نوازنده و نغمه‌پرداز را دارد
 پرده‌دور - ۱۴۶/۱۱-۵۱/۸
 ۱۵۳/۵ در ابیات ۱۶۵/۶-۲۲۰/۵
 الفاظ پرده و دریدن بصورت جداگانه استعمال شده است چنانکه مولوی گوید:
 نی حریفی هر که از یاری برید
 پرده پیش پرده‌های ما درید
 پرده‌غیب - ۱۱۳/۱-۱/۱-فکا
 پرده‌نشین - ۱۰۹/۱۳
 پرگار - ۶۰/۹-۲۶/۵-۱۳۰/۱۰
 ۹۵/۹-۱۳۸/۵-۱۵۵/۹-۱۳۸/۵-فکج -
 در ابیات: ۱۷۱/۳-۳۰۹/۸ بمعنی افسون و حیل و بکار رفته که ایهام به‌افزار دارد
 پرهیز - از مقامات سلوک است
 ۳۰/۴-۹/۴-۱۸۰/۹-۱۲۵/۱۰
 ۳۰۲/۸-۲۶۷/۳-۲۴۱/۲
 پری - ۴۵/۳-۱۱/۱۰-۵۷/۳
 ۱۳۱/۸-۱۲۰/۶-۱۲۶/۱۰-۸۵/۷
 ۲۴۴/۱۲-۲۰۳/۹-۱۴۶/۹-۱۴۶/۹
 ۳۰۱/۸-۳۴۱/۱-۲۸۵/۶-۲۹۲/۱
 ۳۸۰/۴-۲۷۵/۱۳-۳۱۵/۷
 پیروش - ۴۲/۳-۲۲۲/۱۱

پیر پیمانہ کش - ۲۶۷/۳

پیر خرابات - ۲۲۶/۲-۵۰/۱۰
۲۸۰/۱-۲۲۷/۱۱

پیر دردی کش - ۸۴/۳

پیر سالک - ۱۸۶/۱

پیر صاحب فن - ۱۶۸/۱

پیر صومعه - مرشد خانقاہ ۲/فکر

پیر طریقت - مرشد کامل ۲۷/۶

پیر فرزانه - ۲۲۳/۱۰

پیر کنعان - کنایہ از حضرت یعقوب

یکی از پیغمبران بنی اسرائیل است ۶۱/۲
۳۳۵/۳

پیر گلرنگ - ۱۳۸/۸

پیر مغان - چنانکہ مولوی گوید :

آنچه تو در آئینہ بینی عیان

پیر اندر خشت بیند بیش از آن

۹۶/۷-۴۹/۱-۲۸/۱۱-۳۸/۲-۲/۴

۱۳۶/۵-۱۳۴/۱۳-۱۰۸/۴-۹۹/۵

۱۴۱/۱۱-۱۳۹/۷-۱۳۹/۶-۱۳۸/۲

۲۲۸/۸-۲۱۹/۶-۱۸۲/۱۱-۱۶۹/۱۳

۲۴۶/۳-۲۴۳/۴-۲۳۵/۱۱-۲۳۴/۴

۲۸۱/۳-۲۶۱/۱۲-۲۵۳/۲-۲۵۱/۵

پیر مناجات - ۱۵۷/۱۰

پیر منحنی - ۳۴۰/۱

پیر میخانہ - ۱۲۴/۲ - ۲۷۰/۴
۲۴۸/۱۰

پیر میفروش - ۱۹۳/۳-۶۹/۵

۱۰۱/۸-۱۱۸/۱۰-۲۳۵/۱۶

پیر میکندہ - ۲۷۱/۳-۱۶۴/۱۲

پی ماچان - مخفف پای ماچان است

و باصطلاح صوفیان صف نعال باشد اگر

یکی از ایشان گناہی کند او را در صف

نعال بیک پای باز دارند کہ گوش راست

را بدست چپ و گوش چپ را بدست راست

گرفته آنقدر میایستند کہ پیر عذر او را

بپذیرد ۳۰۵/۲

پیمانہ - ۱۲۹/۳-۱۰۰/۲-۲۰/۶

۲۴۸/۱-۲۲۳/۱۰-۱۲۴/۱۲-۱۱۵/۹

۳۷۱/۴-۲۳۸/۵-۲۹۶/۹-۲۳۲/۵

۳۸۰/۴ در بیت های زیر بصورت پیمانہ

کش آمده است ۲۶۷/۳-۱۸/۹

پیوند - ۴۶/۱-۴۹/۱۳-۴۹/۱۳

۱۵۱/۵-۳۰۶/۱۲ در ابیات زیر لفظ

«پیوستہ» بمعنی دائم است ۳۳/۹-۶۹/۱

۳۷۹/۶